

همراه با ویژه‌های خردسال  
صفحات ۱۱ الی ۱۶

# شاهزاده کوری

مهر و آبان ۱۴۰۲ • شماره ۱۸۶ و ۱۸۷

بها: ۶۵۰۰۰ تومان



# به نام خدا کودک

مهر و آبان سال ۱۴۰۲ شماره ۱۸۶ و ۱۸۷

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران

مدیرمسئول: محمد کرم‌الهی

سر دبیر: زهرا خسروی

ناظر تولید: سیده فاطمه رضایی

• • •

دبیر تحریریه: فریبا حداد

طراح گرافیک: سمیرا سادات شفیعی

امور فنی: آتیه شاهد

ناظر فنی: پرستو سلیمانی

تلفن: ۰۲۱-۸۲۲۲۶۴۹

آدرس الکترونیکی: mag.navideshahed.com

صندوق پستی: ۱۵۹۳۶۴۷۷۱۱

• • •

آدرس: تهران، خیابان آیت‌الله طالقانی،

بعد از چهارراه ولیعصر، ساختمان بنیاد شهید و امور

ایثارگران، طبقه ششم، دفتر حمایت و نظارت بر

تولید آثار فرهنگی و هنری

• • •

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

• • •

تصویر جلد: سمیه سادات شفیعی

• مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.

• مطالب رسیده باز گردانده نمی‌شود.

• نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است.

• • •

جهت دریافت نسخه الکترونیکی نشریه شاهد کودک،

می‌توانید به سایت نوید شاهد به آدرس زیر مراجعه

نمایید.

mag.navideshahed.com

اپلیکیشن مجلات شاهد:

shmag.ir

۱ **قرار**

۲ **بامدادی صورتی**

۴ **چرا هنگامی که هوا سرد است می‌توانم نفسم را ببینم؟!\***

۶ **منم بازی!**

۸ **دنیاى رنگارنگ**

۱۰ **مهر مهربان**

۱۱ **بگره و پیدا کن!**

۱۲ **یک علامت سوال قشنگ**

۱۴ **رنگ کن!**

۱۵ **قهرمان**

۱۶ **ماهی مرکب**

۱۷ **ورزش. شادی. سلامتی**

۱۸ **فلسطین آباد**

۱۹ **جشن کوچک**

۲۰ **همسایه ما**

۲۲ **سرباز سلامت**

۲۳ **پرگ پاییزی**

۲۴ **نقاش کوچولو**



ویژه‌نامه‌ی خرداد سال  
قصه‌ک



آقای خوب من

حالا کجا هستی؟

یک جای دوری یا

در شهر ما هستی؟

شاید همین حالا

این دور و برهایی

لطفاً صدایم کن

وقتی که می آیی

هر روز و شب هستم

در انتظار تو

من مانده ام آقای

پای قرار تو

هر جمعه با مادر

من ندبه می خوانم

با کارهای خوب

یار تومی مانم

یک روز می آیی

آقای خوب من

دنیاست آن لحظه

با نور تو روشن

# قرار





## جامدادی صورتی

ضحی به کلاس برگشت تا قمقمه‌اش را بردارد که دید، سحر گریه می‌کند. پرسید: «چی شده؟! چرا زنگ تفریح نشستی این جا؟»

سحر با چشمان پر از اشک، جامدادی‌اش را از جامیز بیرون آورد و گفت: «ببین، زیبی پاره شده.»

ضحی پرسید: «برای این گریه می‌کنی؟»  
گریه‌های سحر بیشتر شد. گفت: «مامانم این جامدادی رو هفته پیش برام خرید و گفت: خیلی مواظب باشم که گم یا خراب نشه.»

ضحی کمی فکر کرد. بعد از داخل کیفش، جامدادی صورتی‌رنگی را که روی آن پر از گل‌های قشنگ بود، در آورد و گفت: «بیا، این مال تو. من هنوز جامدادی پارسالم رو دارم. این جامدادی رو بابام برام خرید. بعدش هم رفت سوریه تا با دشمن‌های حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) بجنگه و همون جا هم شهید شد.»

سحر، دست دور گردن او انداخت. گفت: «ولی آخه...»  
ضحی گفت: «خواهش می‌کنم قبول کن؛ می‌دونم بابام خوشحال می‌شه.»

سحر نگاهی به جامدادی انداخت و گفت: «تو بهترین دوست منی.»



فاطمه نودهی  
تصویر گر: نرگس قلیزاده



# چرا هنگامی که هوا سرد است

## می توانم نفسم را ببینم؟!

بیشتر و بیشتر  
بدانید...



چرا هوا سرد می شه  
نفسم دیده می شه؟

چیزهایی که لازم داری:

- قالب یخ
- کیسه پلاستیک زیپ دار
- آینه دستی
- نی نوشیدنی
- یک کیسه پلاستیک زیپ دار با گنجایش ۴ لیتر
- کاغذ کار دستی مشکی
- ذره بین
- چراغ مطالعه یا پنجره ای
- بانور مستقیم



## مراحل آزمایش:

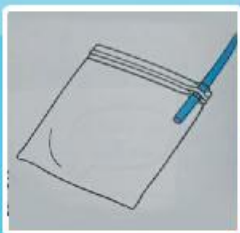
- ۱ قالب یخ را درون کیسه پلاستیکی قرار دهید و زیپ آن را ببندید.
- ۲ کیسه پلاستیک را روی آینه قرار دهید.
- ۳ به آرامی یخ را روی آینه به عقب و جلو ببرید. این کار را چندبار تکرار کنید تا سطح آینه خنک شود.
- ۴ کیسه یخ را از روی آینه بردارید و فوراً آینه را نزدیک دهانتان بگیرید، در این حالت به آینه بدمید (ها کنید). آینه مه آلود به نظر می‌رسد.



## بنابر این

در نفس شما آب وجود دارد ولی شما نمی‌توانید آن را ببینید. وقتی در هوای سرد یا در مقابل یک آینه سرد نفس می‌کشید، آب موجود در نفس شما به ابر کوچکی تبدیل می‌شود که شما می‌توانید آن را ببینید.

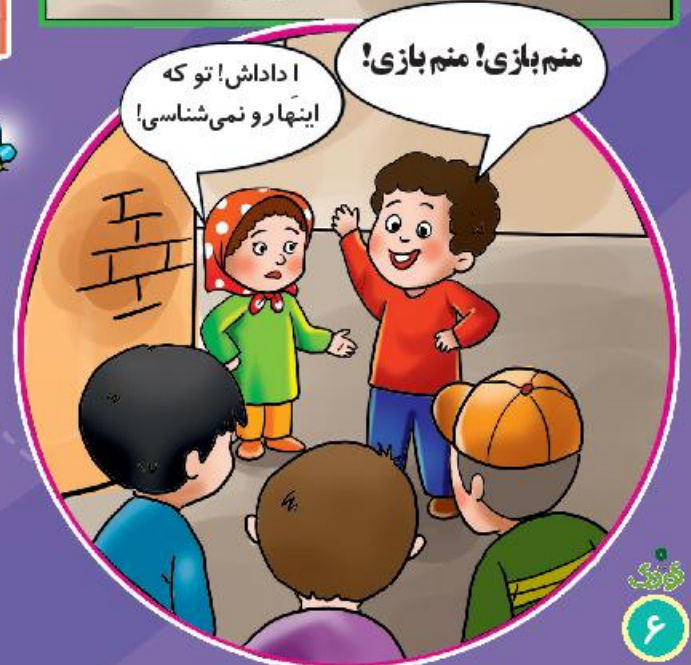
## چیزهای جالب‌تری بدانید:



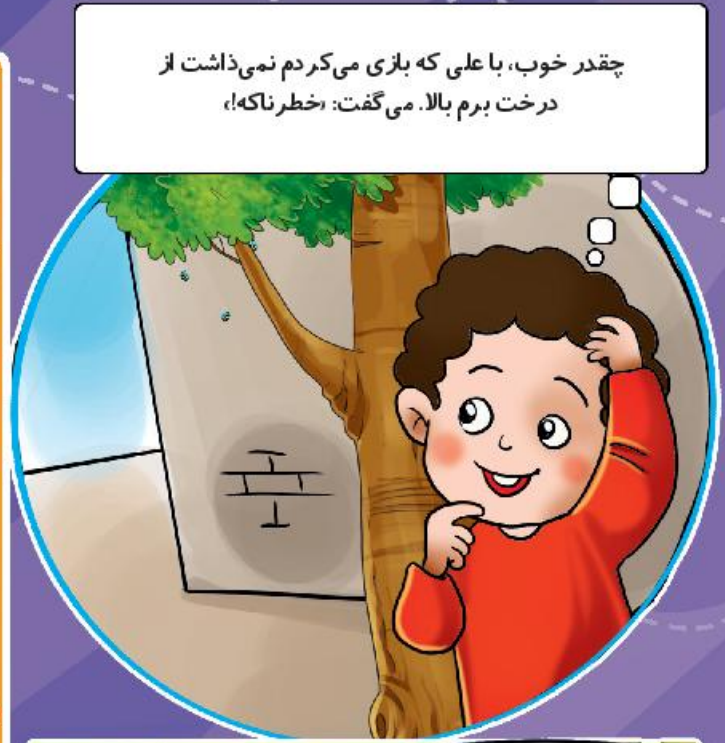
با هر نفسی که می‌کشید، مقداری آب وارد هوا می‌شود. راه دیگری وجود دارد تا آبی را که با نفس کشیدن شما وارد هوا می‌شود، ببینید. انتهای نی را درون یک کیسه پلاستیکی بگذارید و زیپ آن را تا کنار نی ببندید. یک نفس عمیق بکشید و درون نی بدمید، سپس فوراً نی را بیرون آورید و زیپ کیسه را ببندید. کاغذ مشکی را روی میز، نزدیک یک چراغ یا نور مستقیم قرار دهید. کیسه پلاستیک را روی کاغذ مشکی قرار دهید. هوای درون کیسه پلاستیکی از نفس شما مه آلود شده است. اکنون با ذره بین به کیسه پلاستیک نگاه کنید. قطره‌های آب را در اندازه‌های مختلف در کیسه خواهید دید.

# منم بازی!

داستان های شاهد و شیرین







# دنیای رنگارنگ



دنیای کودکان پر از پروانه است، پر از رنگ‌های قشنگ و زیبا و پر از قصه‌های رنگارنگ و به یادماندنی.

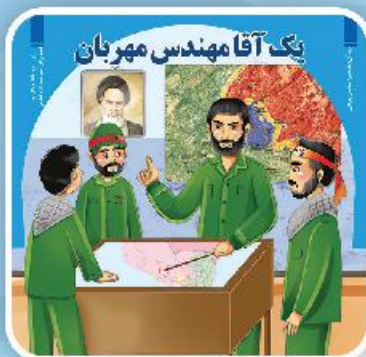
«بچه‌ها! این جمله قشنگ را یکی از نویسنده‌های کودک و نوجوان به نام «فاطمه بگزاده» گفته است. اگر دوست دارید بیشتر با او آشنا شوید این مصاحبه خبرنگار کوچولو را بخوانید!



۱- چه شد که شما به نویسندگی علاقه‌مند شدید؟ و اولین کتابتان را در چه سنی نوشتید؟

مادرم برایم داستان زیاد تعریف می‌کرد. یک‌بار داستانی از یک شهید نوجوان، شهید محمدرضا اسفندیاری تعریف کرد. به همین دلیل به نوشتن داستان علاقه‌مند شدم. اولین کتابم را وقتی فقط ۱۱ ساله بودم نوشتم. آن زمان نمی‌دانستم نویسندگی به چه چیزهایی نیاز دارد و باید چه نکاتی رعایت شود، اما من آنقدر به نوشتن علاقه داشتم که در همان سن یک کتاب نوشتم. بعدها که بزرگتر شدم با مجلات کودک آشنا شدم، آنها را می‌خواندم و همین باعث شد بتوانم یاد بگیرم که در نویسندگی باید چه چیزهایی را رعایت کنم. با مجله کیهان بچه‌ها و شاهد کودک که آشنا شدم





و داستان‌های‌شان را خواندم خیلی دلم خواست خودم هم بتوانم برای این مجله‌ها داستان بنویسم. حالا تعداد زیادی از داستان‌هایم در مجله کیهان بچه‌ها و شاهد کودک چاپ شده است.

### ۲- کدام کتاب کودک را خیلی دوست دارید؟ علت علاقه شما به این کتاب چیست؟

همه کتاب‌های کودک را دوست دارم، اما کتاب کودک «یک آقا مهندس مهربان» را بیشتر دوست دارم، چون زندگی مهندسی را تعریف می‌کند که چطور با دشمن جنگید که کشور

همیشه پیروز بماند. در این کتاب که سرگذشت شهید مهندس محسن وزوایی است می‌خوانیم که او برای کشورش خیلی کارهای خوب انجام داد و آخرش هم در راه انقلاب و پیروزی ایران به شهادت رسید.

### ۳- دنیای کودکان را چگونه می‌بینید؟

دنیای کودکان خیلی زیبا و رنگارنگ است. پر از عاطفه و مهربانی است. من دنیای کودک را انتخاب کردم چون با کودکان راحت می‌توان صحبت کرد. حتی به قشنگی تمام رنگ‌ها و پروانه‌ها می‌شود برای‌شان داستان نوشت. همیشه دلم می‌خواهد توی دنیای کودکان بمانم و برای‌شان قصه‌های مردان و زنانی را بگویم که برای این انقلاب و پیروزی این کشور چقدر تلاش کردند. بچه‌ها حق دارند بدانند که چه انسان‌های بزرگی برای نجات این کشور از دست دشمن از جان‌شان گذشتند.

### ۴- توصیه شما به بچه‌هایی که دوست دارند در آینده نویسنده بزرگی شوند چیست؟

کتاب بخوانند، هر روز خاطرات روزانه‌شان را بنویسند. کتاب‌هایی که می‌خوانند مطالب مهمش را یادداشت کنند. من خودم برای کودکان کتاب‌های زیادی نوشتم. مثل کتاب «قهرمان ابرها» خاطرات شهید خلبان عباس بابایی، یک روز خوب، قشنگترین نقاشی، پل کوچولو، آبی مثل دریا و خیلی کتاب‌های دیگر. هنوز هم سعی می‌کنم مطالب مهم کتاب‌ها را یادداشت کنم تا مطالب بیشتری یاد بگیرم.





راه مدرسه	کیف من پر از	باز آمده
برگ و رنگ و رنگ	دفتر و کتاب	مهر مهربان
زنگ مدرسه	توی آسمان	کوچه پر شد از
دنگ و دنگ و دنگ	ابر و آفتاب	خنده‌های مان



زهر اگلسطی  
تصویر گر: مریم دولفقاریان

مهر مهربان



# قاصدک کوری

ویژہ نامہ خورد سال

## بگرد و پیدا کن!

کدام زنبور زودتر به گل می‌رسد؟



تصویر گر: مریم دولفقاریان

# یک علامت سؤال

## قشنگ

قصه‌های  
صداکی





روزی خرگوش کوچولو که با خودش یک بطری آب داشت توی صحرا بازی می‌کرد. آنجا هیچ درختی نبود. یک‌هو صدایی به گوشش رسید که گفت: «به من یه کم آب می‌دی؟» خرگوش کوچولو چشمش افتاد به یک دانه که روی خاک بود. خرگوش گفت: «نه، مال خودمه.» دانه گفت: «من تشنه‌م.» خرگوش دلش سوخت و به او آب داد. دانه کم‌کم رفت زیر زمین.

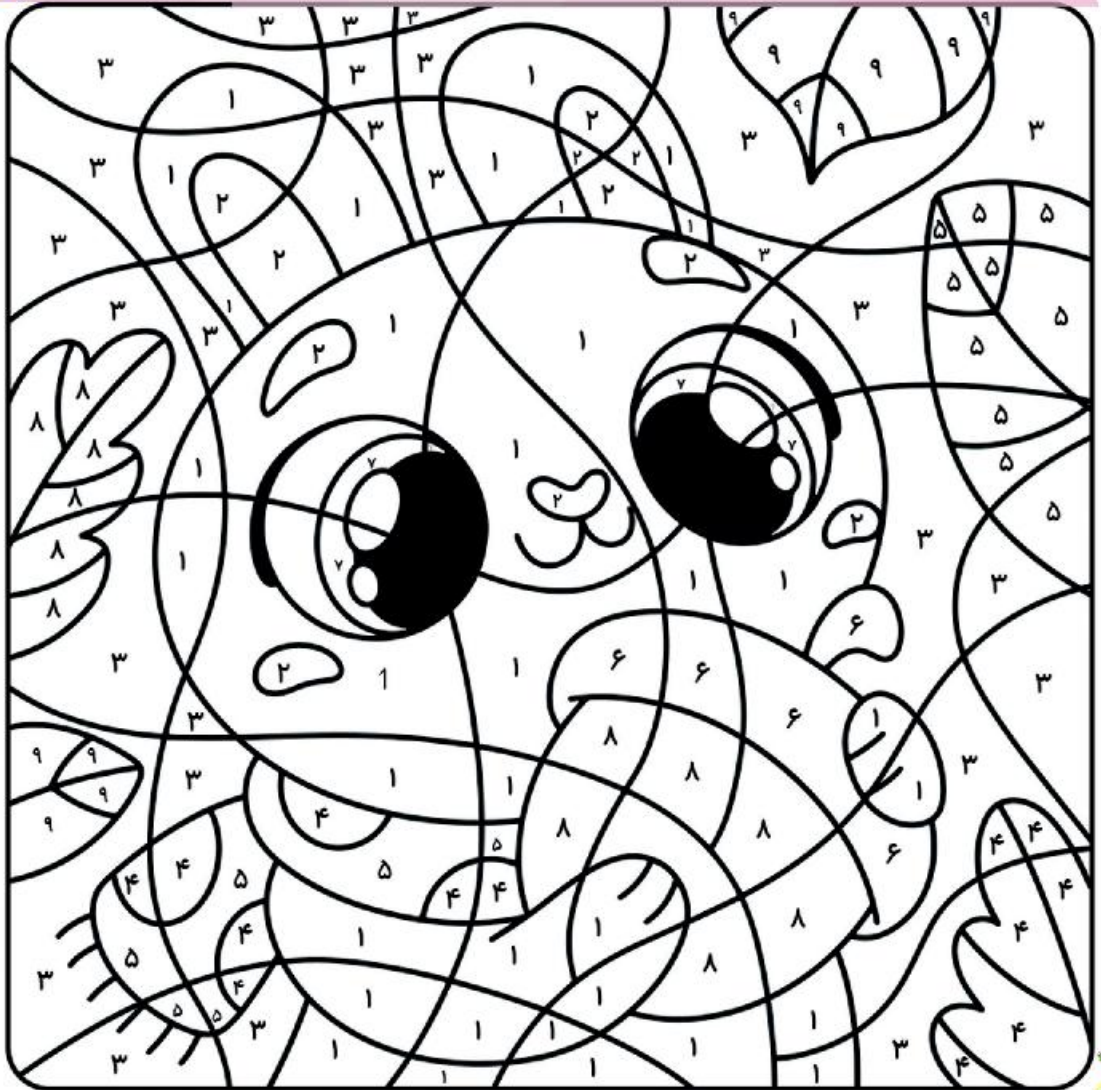
سال‌ها بعد خرگوش که بزرگ شده بود و داشت از سرکار به خانه برمی‌گشت، با خودش گفت: «کاش درختی بود، زیرش می‌نشستم و خنک می‌شدم، ولی تو این صحرا هیچ درختی نیست.»

خرگوش دستش را روی سرش سایه‌بان کرد. از دور یک درخت دید. بدو بدو به طرف درخت رفت. لبخندی زد و گفت: «اینجا که درخت نبود.» درخت خندید و گفت: «من همون دانه‌ای بودم که تو بهش آب دادی.» خرگوش با خوشحالی زیر سایه درخت نشست و خنک شد.



با توجه به اعداد راهنمای رنگ‌ها و نمونه  
روبرو شکل زیر را رنگ کن.

**رنگ کن!**





# قهرمان

بابای خوبم  
آتش نشان است  
یک مرد پر زور  
یک قهرمان است

ترسی ندارد  
از آتش انگار  
هر لحظه او هست  
آماده‌ی کار

او موقع کار  
فرز و زرنگ است  
با آتش داغ  
در حال جنگ است

با اینکه کارش  
خیلی زیاد است  
وقتی می آید  
در خانه شاد است



## ماهی مرکب

- \* روزها می‌خوابند و شب‌ها برای پیدا کردن غذا بیرون می‌آیند.
- \* می‌توانند رنگ بدنشان را با اطرافشان یکی کنند و این‌طوری از دست دشمنانشان قایم شوند.
- \* روی بدن آنها لوله‌های نقره‌ای رنگی است که از خودشان نور تولید می‌کنند.
- \* وقتی می‌ترسند یا احساس خطر می‌کنند ماده سیاه‌رنگی از خودشان پخش می‌کنند.
- \* با دست‌های بلندشان غذا را می‌گیرند و به سمت دهانشان می‌برند.





ما اینجا چندتا از  
حرکتهای جالب این  
ورزش را به شما معرفی  
کردیم.

## ورزش شادی سلامتی

بچه‌ها، هولاهوپ یک حلقه ورزشی  
ساده و ارزان است. می‌توانی با  
آن هم ورزش و هم بازی کنی.

این ورزش به رشد ماهیچه‌ها و  
استخوان بندی شما کمک می‌کند.

ولی خودتان هم می‌توانید حرکتهای جدیدی به  
این‌ها اضافه کنید.



# فلسطین آباد

در کشورت هر روز جنگ است

یک لحظه آرامش نداری

شاید تو با روپا همیشه

سر روی بالش می گذاری

امروز با یادت دوباره

یک باغ زیبا را کشیدم

چندین گل و پروانه شاد

بعدش تو را آنجا کشیدم

خندیدی و آواز خواندی

آن باغ پر شد از صدایت

با دیدن خوشحالی تو

صد آرزو کردم برایت

من آرزو کردم که باشد

فردایت امن و روشن و شاد

باشد فلسطین مثل دیروز

یک کشور زیبا و آباد





# جشن کوچک



فاطمه گلستانی  
تصویرگر، سیما منصور

هم چای و شربت  
هم کیک دارم  
با دقت امروز  
مشغول کارم

توی اتاقم  
دارم دو مهمان  
بابای خوبم  
همراه مامان

جشنی گرفتم  
یک جشن کوچک  
می چسبد این جشن  
در روز کودک





# همسایه ما





ساعت از ۱۲ شب هم گذشته بود. از خانه بیرون آمدم تا نگاهی به ماشین مهمانانم که در کوچه پارک شده بود بیندازم. آقایوسف را دیدم که ماشین خاموش را توی کوچه هل می داد. وقتی داخل خانه برگشتم جلوی در منتظر شدم تا آقایوسف از پله ها بالا بیاید و با او احوالپرسی کنم، اما هیچ صدای پایی نشنیدم. با خود گفتم: «نکنه آقایوسف نبوده و من اشتباه دیدم. پس چرا بالا...» هنوز داشتم با خودم فکر می کردم که آقایوسف پوتین به دست با لبخندی، آرام گفت: «سلام، شبتون بخیر.» خندیدم و گفتم: «چرا پوتین هایتان را در آوردید؟» آقایوسف گفت: «برای اینکه همسایه ها این موقع شب با صدای پوتین های من از خواب بیدار نشن.»

شهید یوسف کلاهدوز جانشین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در اول دی ماه سال ۱۳۲۵ در شهرستان قوچان به دنیا آمد. او برای تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلاش زیادی کرد. شهید کلاهدوز در سال ۱۳۶۰ به همراه چندتا از فرماندهان جنگ در حادثه سقوط هواپیما شهید شد.

گاه حتی توی خانه  
او ندارد استراحت  
توی کارش بهترین است  
اوست سرباز سلامت

خوب می دانم که اصلاً  
تبلی در کار او نیست  
یک پرستار نمونه است  
قلب او دریای خوبی ست



مادر من یک پرستار  
شاد و خوشرو، مهربان است  
دوستش دارم همیشه  
او برایم قهرمان است

سرباز سلامت



فاطمه گلستانی  
تصویرگر: نرگس قلینزاده







# سنگ پاسترینی

در اینجا

نقاشی‌های مختلف کشیده شده.  
حالا تو به وسیله برگ‌های مختلفی  
که جمع کردی مانند آنها درست کن.



# قصه‌ها و پویا



ریحانه نصیری ۷ ساله از تهران



حسنا عبدال ۷ ساله از تهران



ترنم نصیری ۵ ساله از تهران



روشنک کوه‌سختی ۷ ساله از تهران



نفس واحدی ۸ ساله از اسلامشهر

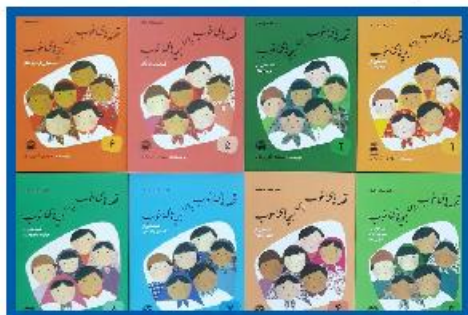


درسنا حسینی ۷ ساله از تهران

# بخوانیم...

مجموعه هشت جلدی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» را مرحوم مهدی آذرینزدی برای همه بچه‌های دوست‌داشتنی دهه شصت، هفتاد و هشتاد و حتی دهه نود نوشته است؛ این مجموعه با زبانی شیرین و ساده پر از مطالب آموزنده است تا خوانندگان هم قصه و افسانه بخوانند و لذت ببرند و هم چیزهای خوبی یاد بگیرند.

این مجموعه توسط انتشارات امیر کبیر چاپ شده است.



## داستان و شعر نیمه‌تمام...

### شعر



اگر به سرودن شعر علاقه داری، این شعر را کامل کن و پرایمان پفرست تا در مسابقه‌ی «بهترین شعر» شرکت کنی و جایزه بگیري!

شروع هر کار خوب

با نام و یاد خداست

دریافت آثار به آدرس الکترونیکی زیر:

[mag.navideshahed.com](http://mag.navideshahed.com)

### داستان

اگر به نوشتن علاقه داری، این قصه را کامل کن و پرایمان پفرست تا در مسابقه‌ی «بهترین قصه» شرکت کنی و جایزه بگیري!

فصل زمستان آمده بود و تمام پرندگان به سمت جنوب پرواز کرده بودند. چون آنجا هوا گرم بود و توت‌های زیاد و خوشمزه‌ای برای خوردن داشت. در این سفر یک پرنده کوچولو جا مانده بود چون بالش شکسته بود و نمی‌توانست پرواز کند. او تنها در هوای سرد و برفی گیر افتاده بود. تا این که ...





من سرزمینم، غزه  
را دوست دارم!

